

رویکردهای آموزش فنی و حرفه‌ای

علی اصغر خالقی *

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

کلیدواژه‌ها: آموزش نظری، آموزش حرفه‌ای، رویکرد کل نگر، فنی و حرفه‌ای، شغل.

مقدمه

در جریان تاریخی به صورت آموزش استاد شاگردی بود و در طول سالیان دراز فرد برای شغل معینی تربیت می‌شد و تا آخر عمر و گاه در نسل‌های متوالی به ادامه‌ی آن شغل می‌پرداخت. از نظر تاریخی، آموزش برای کار با روش استاد شاگردی سابقه‌ای چهار هزار ساله دارد. سابقه‌ی سازماندهی برنامه‌های استاد شاگردی به دوان مصر باستان در ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح (ع) می‌رسد. این شیوه در سرزمین‌های باستانی فلسطین، یونان، ایران

آموزش فنی و حرفه‌ای بنا به ماهیت خود همواره با شرایط و رویکردهای اقتصادی و بازار کار ارتباط نزدیک داشته است. به همین سبب تحولات و تغییر رویکردهای اقتصادی و ظهور فناوری‌های نو زمینه‌ی تغییر رویکردهای آموزش فنی و حرفه‌ای را فراهم آورده است.

در فرایند تاریخی این تحولات، آموزش فنی و حرفه‌ای نیز رویکردهای مختلفی را تجربه کرده است که هر کدام به نوبه‌ی خود متناسب با شرایط و رویکردهای اقتصادی زمینه‌ی تربیت نیروی انسانی مورد نیاز را فراهم کرده است. این مقاله قصد دارد با بررسی ادبیات و پیشینه‌ی آموزش فنی و حرفه‌ای در دنیا، انواع رویکردها و معرفی آن‌ها را مرور نماید.

بررسی ادبیات و پیشینه‌ی تحقیق در زمینه‌ی رویکردهای مختلف آموزش فنی و حرفه‌ای (Grubb, 1997; NCVER, 1993; Rojewski, 2002; Gray, 1999) نشان می‌دهد که در سطح بین‌المللی سه رویکرد عمده برای آموزش و پرورش وجود دارد:

- رویکرد آماده‌سازی دانش‌آموزان برای یک شغل خاص؛
- رویکرد آماده‌سازی دانش‌آموزان برای زمینه‌های عام شغلی؛
- رویکرد کل نگر و تلفیقی در فرایند یاددهی - یادگیری.

۱. رویکرد آماده‌سازی دانش‌آموزان برای یک شغل خاص

از نظر افلاطون مردم باید بر اساس نیازهای مملکت و استعدادهای طبیعی خود تربیت شوند. بنابراین، هرکس مناسب شغلی است و باید تا آخر عمر در موقعیتی که برای آن مناسب است باقی بماند (جان الیاس، ۱۳۸۵). این اندیشه در واقع، یک بنیاد فکری برای آماده‌سازی افراد به منظور شغل خاص در تربیت حرفه‌ای است. این رویکرد



پیشرفت‌های فنی بسیار سریع و مؤثر، آن‌ها نمی‌توانند به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مدرسه‌ای و انستیتوها تکیه کنند.

یکی از دغدغه‌هایی که همواره مریبان و دانش‌آموزان، به‌ویژه در دوره‌های فنی و حرفه‌ای در اغلب کشورها، از جمله در ایران داشته‌اند، مسئله‌ی ادامه تحصیل بعد از آموزش متوسطه بوده است

از طرف دیگر، پیشرفت‌های سریع فناوری هر روز شغل جدیدی را عرضه می‌کند و بسیاری از مشاغل قبلی که با فناوری (تکنولوژی) قدیم صورت می‌گرفت، از بازار کار خارج می‌شد و کارگران آن بیکار می‌شدند و نیروهای آموزش دیده‌ی به روش سنتی برای یک شغل خاص توانایی انجام کار با فناوری جدید را نداشتند. این مشکلات موجب شد تا مؤسسات آموزشی به رویکرد جدیدی روی آورند به نحوی که افراد را به جای تربیت در یک شغل تخصصی معین، برای زمینه‌های عام شغلی به شیوه‌ای انعطاف‌پذیر تربیت کنند تا در صورت تغییر فرایند شغلی، فراگیران بتوانند خود را با آن هماهنگ نمایند.

۲. رویکرد آماده‌سازی دانش‌آموزان برای زمینه‌های عام شغلی

با چالش‌هایی که رویکرد سنتی تربیت حرفه‌ای دانش‌آموزان برای یک شغل خاص با آن مواجه بود و در واکنش به اصلاحات و قانون‌های فراوان به‌وجود آمده، حرفه‌گرایی جدید در آخرین دهه‌ی قرن بیستم در آمریکا پدید آمد و دیدگاه‌های آن رویکرد جدیدی در تربیت حرفه‌ای به‌وجود آورد که بر اساس آن رویکرد آماده‌سازی فراگیران برای یک شغل خاص به رویکرد آمادگی برای مشاغل عام و آکادمیک محور تغییر یافت (Grubb, W., Norton 1996). زیرا تربیت افراد برای یک حرفه‌ی معین توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع و در حال تغییر اقتصادی و اجتماعی را نداشت و از سوی دیگر با محدود کردن توانایی‌های انتخاب افراد، آینده‌ی شغلی آن‌ها را در انطباق با تغییرات فناوری دچار آسیب می‌ساخت. از نظر گراب (۱۹۹۶) این رویکرد چهار ویژگی کلی دارد:

۱. هدف اشتغال در برنامه‌ی درسی آموزش متوسطه به‌جای یک شغل خاص، باید ماهیت کلی و عمومی داشته

و سایر کشورها به‌سرعت گسترش یافت و در زمینه‌های مختلف شغلی به‌صورت شیوه‌ی تخصصی مهارت‌آموزی تا قرن نوزدهم ادامه یافت. با وقوع انقلاب صنعتی و توسعه‌ی آن نیاز به کارگران ماهر روز به‌روز افزایش یافت، به‌نحوی که دیگر روش استاد شاگردی پاسخ‌گویی نیازهای صنعت به کارگران ماهر نبود (Finch & Crunkilton, 1999). با وجود مجادلات فلسفی در مورد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مدرسه‌ای، دولت‌ها از تأسیس مدارس فنی و حرفه‌ای برای تربیت کارگران ماهر حمایت کردند. بعد از جنگ جهانی دوم و در نیمه‌ی دوم قرن بیستم، به‌ویژه در دهه‌ی ۱۹۷۰ که با بیکاری جوانان در اروپا مواجه بود، تربیت حرفه‌ای و شغلی از اهمیت زیادی برخوردار شد و رویکرد جدیدی با عنوان تربیت شغلی معرفی شد. این شکل تربیت با هدف‌های شغلی در ارتباط بود. طبق این رویکرد به ترتیب برای کار، همه‌ی تجارب تربیتی، برنامه‌ی درسی و آموزشی باید با آماده‌سازی فرد برای یک زندگی مستقل اقتصادی و درک ارزش کار هماهنگ شود (جان‌الیاس، ۱۳۸۵). نمونه‌ی این رویکرد قانون اسمیت هاگز در امریکاست که برای محدود کردن برنامه‌ی درسی سنتی نظری بر مهارت‌های مشاغل خاص تأکید کرد. این توجه، به‌ویژه توسط چارلز پروسر و دیوید اسندن پشتیبانی شد که طرفدار رویکرد پاسخ‌گویی جدی به نیازهای صنعت و تجارب در آموزش فنی و حرفه‌ای بودند. بنا به اعتقاد پروسر هدف آموزش عمومی در یک جامعه‌ی آزاد رضایت‌مندی افراد نیست بلکه آماده کردن شهروندان آن برای خدمت به جامعه و پاسخ‌گویی به نیازهای صنعت و تجارب به نیروی انسانی است. دیدگاه‌های پروسر به‌رغم مخالف‌های جان دیوئی در قانون اسمیت هاگز وارد شد و تا دهه‌ی ۱۹۶۰ به منزله‌ی فلسفه غالب باقی ماند (Rojewski, W. Jay 2002). در این رویکرد با تجزیه و تحلیل شغلی، برنامه‌ی درسی برای یک شغل معین طراحی می‌شود و فراگیران برای اجرای آن شغل آماده می‌شوند تا پس از دانش‌آموختگی (فارغ‌التحصیل شدن) بتوانند در آن شغل به‌کار مشغول شوند.

با ظهور فناوری بسیار پیشرفته، صنایع برای مشاغل ویژه به تکنیسین‌های بسیار متخصص نیاز پیدا کردند. صنایع امروزی تشخیص دادند برای اطمینان از داشتن ذخیره‌ی خوبی از تکنیسین‌های ماهر به آموزش ضمن خدمت فنی برای کارکنان خود نیاز دارند. به‌سبب

باشد. این تغییر رویکرد به فراگیران امکان می‌دهد تا بتوانند همزمان در جست‌وجوی مشاغل مختلف و متعددی باشند. بدون این‌که مجبور باشند بین رفتن به دانشگاه و شغل معینی که برای آن تربیت شده‌اند یکی را انتخاب کنند.

۲. در برنامه‌ی درسی باید محتوای سنتی نظری با دوره‌های عملی تلفیق شود، در عین این‌که مثال‌ها و فعالیت‌های عملی هم با دوره‌های نظری تلفیق گردد.

۳. آموزش از طریق شغل، مستلزم طراحی مدرسه‌ای با ساختار متفاوت است، به‌گونه‌ای که مشوق برنامه درسی تلفیقی باشد.

۴. در حرفه‌گرایی جدید، عناصر متعدد دیگری هم وجود دارد، شامل:

الف) وجود فعالیت‌های متنوع، یادگیری کار محور، مثل شغل سایه، کارآموزی کوتاه‌مدت، شرکت مدرسه مدار، آموزش مشارکتی؛

ب) ارتباط سلسله مراتبی فرصت‌های آموزشی و مهارتی در برنامه‌های آموزش متوسطه و بین متوسطه و آموزش عالی؛

ج) به‌کار بردن روش‌های عملی تدریس و راهبردهای تدریس گروهی که بسیار استنباطی، تلفیقی، شاگرد محور، فعال و پروژه محور است.

در واقع حرفه‌گرایی جدید با تمرکز بر مهارت‌های مورد تقاضا و تأکید بر آموزش نظری و حرفه‌ای و هم‌چنین تأکید بر تفکر عالی و مهارت‌های ارتباط بین فردی به‌دنبال بهبود کیفیت نیروی کار است.

درباره‌ی عناصر مورد نیاز برنامه‌ی درسی زیاد بحث شده است. این بحث‌ها موجب گردید توانایی‌های تعریف شده و محدود نظری به‌سوی مجموعه‌ی گسترده‌ای از مباحث نظری یا صلاحیت‌های عمومی، مهارت‌های فنی و شغلی خاص، توانایی‌های ارتباط میان فردی و ویژگی‌های رفتاری شامل انگیزه تغییر یابد (NCVER, 1993). قانون پرکینز ۳ به‌عنوان نماینده‌ی حرفه‌گرایی جدید در آمریکا بر سه برنامه‌ی درسی اساسی زیاد تکیه می‌کند. این برنامه‌ها عبارت‌اند از:

- تلفیق آموزش نظری با فنی و حرفه‌ای؛
- تبیین برنامه‌های متوسطه و بعد از آن؛
- ارتباط میان مدرسه و دنیای کار.

در واقع این برنامه‌ها چارچوب اساسی رویکرد آماده‌سازی دانش‌آموزان برای زمینه‌های عام شغلی را

تشکیل می‌دهند که توصیف و تفسیر هر یک از آن‌ها درک کامل‌تری از این رویکرد را فراهم می‌کند. این قانون در چارچوب رویکرد جدید، راهنمای ویژه‌ای را برای بهبود کیفیت برنامه‌های آموزشی عرضه کرده است که نشان‌دهنده‌ی جنبه‌های مهم این رویکرد است. این راهنما شامل موارد زیر است (استاز و بودیلی، ۲۰۰۴):

- تلفیق مطالعات نظری با فنی و حرفه‌ای؛
- پذیرش استانداردهای علمی، فنی و حرفه‌ای؛
- ارتقای درک همه‌ی جنبه‌های صنعت؛
- تشویق اولیا و کارفرمایان به مشارکت؛
- ایجاد پل ارتباطی با آموزش بعد از متوسطه؛
- توسعه‌ی کاربرد فناوری و...
- فراهم کردن امکانات توسعه تخصصی معلمان، مشاوران و مدیران اداری.

حرفه‌گرایی جدید با تمرکز بر مهارت‌های مورد تقاضا و تأکید بر آموزش نظری و حرفه‌ای و هم‌چنین تأکید بر تفکر عالی و مهارت‌های ارتباط بین فردی به‌دنبال بهبود کیفیت نیروی کار است

تلفیق برنامه‌های درسی حرفه‌ای و نظری

جنبه‌های نظری و علمی در واقع دو وجه اساسی از قوای انسان است که با همکاری و هماهنگی آن‌ها نیازهای آدمی برطرف می‌شود. نماد این دو جنبه در انسان مغز و دست است که هماهنگی و همکاری این دو با هم نتایج بسیار مهمی برای انسان به‌بار می‌آورد. در حالی که جدائی این دو جنبه از هم باعث می‌شود از یک‌سو دیدگاه‌های نظری به‌صورتی انتزاعی و بدون کاربرد عملی به‌وجود آید و از سوی دیگر فعالیت‌های عملی بدون پشتوانه‌ی نظری و درونگری لازم و هدفمندی انجام شود.

تجارب آموزشی نشان داده است که توجه نکردن به

بزرگسالان و جوانان، به منظور عبور از فرایند مدرسه به کار و آموزش بعد از متوسطه.

بسیاری از کشورها، با بیش از نیم قرن سابقه آموزش فنی و حرفه‌ای، زیاد کوشش کرده‌اند که نظام آموزشی خود را با توجه به نیازها و شرایط اقتصادی به گونه‌ای اصلاح کنند که پاسخگوی نیازهای صنایع به نیروهای ماهر باشد. اما در شرایط کنونی به ویژه آن که فناوری‌های پیشرفته به سرعت و به طور مؤثری در حال تغییر هستند، پاسخ‌گویی مدارس به نیازهای اقتصادی و اجتماعی بسیار دشوار است. از این رو، کشورهای مختلف برای بهبود و اصلاح نظام‌های آموزشی خود اقدامات مختلفی در جهت تلفیق آموزش‌های نظری و حرفه‌ای انجام داده‌اند.

برای مثال، در ژاپن سیستمی تحت عنوان «دبیرستان تلفیقی» در کنار دبیرستان‌های فنی و دبیرستان‌های عمومی منتهی به کالج تعریف شده است. در این دبیرستان‌ها برنامه‌ی مبتنی بر آموزش لیبرالی همراه با برنامه‌ی آموزش فنی و حرفه‌ای یکجا در برنامه‌ی درسی مدرسه ارائه می‌شود. در یک موقعیت واقعی دانش‌آموزان می‌توانند در خواست کنند دانش و مهارت کم‌تری را نسبت به دبیرستان‌های سنتی به دست آورند، اما در مقابل در سطح بسیار وسیع‌تری موضوعات درسی خود را زمینه‌ی آموزش فنی و حرفه‌ای انتخاب نمایند. نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای کره نیز برای تلفیق آموزش نظری و عملی نوعی آموزش فنی و حرفه‌ای را که نظام ۲+۱ در دبیرستان فنی خوانده می‌شود اجرا کرده است. این سیستم شبیه سیستم دو آل آلمان است. محتوای آموزشی نظام قبلی (دبیرستان فنی شامل سه سال تحصیلی در مدرسه و یک تا شش ماه کار عملی در بخش صنعت) مبتنی بر تئوری و مفاهیم بود، در حالی که در نظام ۲+۱، برنامه‌ی درسی شامل دو سال تحصیلی در مدرسه و یک سال کار عملی در بخش صنعت است و محتوای آموزشی از تئوری و مفهوم محوری به مهارت و کار محوری تغییر کرده است. در کنار این نظام، یک دانشگاه فنی نیز تأسیس شده است که دانش‌آموزان را منحصراً از دبیرستان فنی می‌پذیرد. بنابراین، دانش‌آموزانی که برنامه‌های تحصیلی آن‌ها برای آزمون ورود به دانشگاه ضعیف است برای ورود به آموزش عالی فرصت بیشتری به دست می‌آورند و این امر دبیرستان‌های صنعتی را برای دانش‌آموزان جذاب‌تر می‌نماید.

نمونه‌های دیگری از کشورها نظیر نیوزلند و استرالیا

هر دو جنبه‌ی نظری و عملی کیفیت یادگیری را کاهش می‌دهد. لذا، گرایش به تلفیق این دو جنبه‌ی آموزشی از هر دو سوی آموزش‌های نظری و آموزش‌های حرفه‌ای ایجاد شده است. به همین سبب در توصیه‌های سازمان‌های جهانی مانند یونسکو و یونیوک بر تلفیق میان آموزش‌های نظری (عمومی) با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بسیار تأکید می‌شود (یونسکو، ۲۰۰۱؛ استاز و بودیلی، ۲۰۰۴).

در واقع، یک سؤال دائمی برای آموزش فنی و حرفه‌ای وجود دارد که برنامه‌های دوره‌ی متوسطه و بعد از آن باید بر چه چیزی تأکید داشته باشند. این تأکید ممکن است بر یک شغل یا حرفه‌ی خاص، بر خوشه‌ای از حرفه‌ها، یا بر کار به مفهوم کلی یا بر مهارت‌های کلی زندگی باشد

در واقع، تلفیق آموزش نظری (تئوری) و آموزش حرفه‌ای (عملی) در یک برنامه‌ی درسی واحد عنصر حساس و مهم کوشش‌های اصلاح طلبانه در آموزش فنی و حرفه‌ای است (لینچ، اسمیت و راجسکی، ۱۹۹۴). مغز مفهوم «تلفیق» از دیدگاه رمزی، بودیلی، استاز و ایدن (۱۹۹۴) عبارت است از ترکیب بهینه‌ی برنامه‌ی درسی و تمرین‌های آموزشی، آموزش نظری و حرفه‌ای در یک برنامه‌ی واحد و تلفیق شده، که در دسترس همه دانش‌آموزان دبیرستانی باشد. این نویسندگان چهار مقوله مشترک را برای نشان دادن ویژگی‌های تلفیق آموزش عملی و نظری معرفی کرده‌اند:

- ارائه‌ی برنامه‌ی درسی غنی‌تر و با نتیجه بهتر؛
- تسهیل آموزش برای ایجاد انگیزه در فراگیران و فراهم کردن درک عملی و کاربردی از جهان؛
- افزایش هماهنگی و همکاری میان معلمان دروس نظری و عملی؛
- تمرکز بر مهارت‌ها و دانش مورد نیاز برای کمک به

«یونسکو» و «آی ال او»، به عنوان دو موسسه‌ی معتبر بین‌المللی در سال ۲۰۰۱ مشترکاً توصیه کرده‌اند: «توسعه و گسترش آموزش فنی و حرفه‌ای در قالب آموزش مداوم، داخل و خارج از نظام آموزش با بودجه دولتی یا خصوصی و در چارچوب یادگیری مادام‌العمر باید هدف اولیهی همه استراتژی‌های آموزشی باشد. باید شرایط و تسهیلات گسترده‌ای فراهم شود تا به همه‌ی افراد اجازه داده شود هر طور که شرایطشان ایجاب می‌کند بتوانند هم آموزش عمومی و هم تخصصی‌اش را ادامه دهند». (یونسکو، آی ال او، ۲۰۰۱، ص ۳۱).

در واقع، یک سؤال دائمی برای آموزش فنی و حرفه‌ای وجود دارد که برنامه‌های دوره‌ی متوسطه و بعد از آن باید بر چه چیزی تأکید داشته باشند. این تأکید ممکن است بر یک شغل یا حرفه‌ی خاص، بر خوشه‌ای از حرفه‌ها، یا بر کار به مفهوم کلی یا بر مهارت‌های کلی زندگی باشد (Grubb, 1997).

در همایش وزیران آموزش و پرورش کشورهای آسیای جنوب شرقی - مرکز منطقه‌ای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای درباره‌ی برنامه‌ریزی استراتژی پنج‌ساله‌ی (۱۹۹۹-۲۰۰۴) در ژوئن سال ۱۹۹۷ نیز به شکل زیر بر تداوم آموزش تأکید شد.

- آموزش فنی و حرفه‌ای باید برای تربیت تکنیسین که توانایی ادامه‌ی تحصیل و همچنین دستیابی به دانش و مهارت وسیع و اساسی را در زمینه‌های متنوع فنی داشته باشد جدی و کوشا باشد.

- آموزش فنی و حرفه‌ای یک تحصیل مداوم و بی‌پایان است و تکنیسین‌ها باید همواره با فناوری پیشرفته بی‌پایان هم‌گام شوند. بنابراین، به آموزش فنی و حرفه‌ای باید به مثابه‌ی آموزش مادام‌العمر نگاه شود.

این تأکیدها نشان می‌دهد که مؤسسات بین‌المللی و بسیاری از کشورها به برنامه‌های بعد از متوسطه و تداوم آموزش‌های فنی و حرفه‌ای توجه دارند و آن‌ها را جزء راهبردهای اصلی برنامه‌های آموزشی می‌دانند.

ارتباط میان مدرسه و دنیای کار

ارتباط میان کار و آموزش جزء بزرگ‌ترین مسائلی است که از اولین سال‌های توسعه‌ی صنعتی در آمریکا و اروپا وجود داشته و تا کنون هم ادامه دارد (Becker, 1982). در طول دهه‌های اخیر، متناسب با شرایط اقتصادی، راهکارهای

وجود دارند که از برنامه‌های تلفیق آموزش‌های نظری و عملی حمایت می‌کنند. به‌هر حال همه‌ی کشورهای که به نوعی درگیر بازسازی نظام‌های فنی و حرفه‌ای خود هستند در رویارویی با عصر فناوری‌های برتر به بهبود وضعیت خود و عمومی کردن تحصیلات فنی از طریق تلفیق آموزش‌های نظری با آموزش‌های حرفه‌ای پرداخته‌اند.

تبیین برنامه‌های متوسطه و بعد از آن

یکی از دغدغه‌هایی که همواره مربیان و دانش‌آموزان، به‌ویژه در دوره‌های فنی و حرفه‌ای در اغلب کشورها، از جمله در ایران داشته‌اند، مسئله‌ی ادامه تحصیل بعد از آموزش متوسطه بوده است. گرایش شدید دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها به رفتن به دانشگاه و تقاضای بالای شرکت در کنکور دانشگاه‌ها اعم از دولتی، آزاد و غیرانتفاعی در ایران این دغدغه را بیش‌تر آشکار می‌کند و شاید یکی از دلایل استقبال نکردن دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، در مقایسه با آموزش‌های نظری، شانس کم‌تر دانش‌آموختگان این آموزش‌ها برای ورود به دانشگاه‌ها باشد.

لذا، یکی از جنبه‌هایی که در رویکرد آماده‌سازی دانش‌آموزان برای زمینه‌های عام شغلی به آن توجه می‌شود، این است که امکان انتخاب دانش‌آموزان برای رفتن به دانشگاه و کار وجود داشته است به همین دلیل، ادامه‌ی تحصیل و کسب مهارت‌های سطح بالاتر در دوره‌های بعد از متوسطه از مواردی است که همواره بر آن تأکید شده است.

رویکرد کل‌نگر و تلفیقی در جست‌وجوی
دربرگرفتن کلیت فرد انسانی، توسعه‌ی
فکری، قدرت هیجانی و ارادی و فکری و...
است

مختلفی برای برقراری این ارتباط ابداع شده است (خلاق، ۱۳۸۱). این موضوع فقط به کشورهای توسعه یافته تعلق ندارد بلکه چالش اصلی نظام‌های آموزش فنی و حرفه‌ای در کشورهای در حال توسعه نیز هست. زیرا پاسخ‌گویی به نیازهای محیط کار از دغدغه‌های اساسی همه‌ی نظام‌های آموزش فنی و حرفه‌ای است.

سرعت تحولات و تغییرات فناوری، شیوه‌های تولید و نوع محصولات عرضه شده در بازار اهمیت این ارتباط را بیش‌تر کرده است. بدیهی است که باید برنامه‌های درسی و شیوه‌های مهارت آموزی باید به‌گونه‌ای باشد که هنرجویان را پس از فراغت از تحصیل یا اتمام دوره‌ی آموزشی درحدمی توانند سازد که بتوانند به آسانی در محیط کار از مهارت خود استفاده کنند و از عهده‌ی کارهای محول شده به‌خوبی برآیند و خود را با تغییرات فناوری هماهنگ سازند. به‌همین سبب یکی از جنبه‌های مهم رویکرد آماده‌سازی دانش‌آموزان برای زمینه‌های شغل عام، مسئله‌ی رابطه بین کار و آموزش است.

آنچه تحت عنوان «از مدرسه به کار»^۱ در ادبیات آموزشی به‌ویژه در آمریکا مطرح شده در واقع نهضت اصلاح‌طلبانه‌ای است که نه فقط در آموزش فنی و حرفه‌ای بلکه در آموزش متوسطه عمومی مورد توجه قرار گرفته و هدف‌های آن؛ تلفیق یادگیری نظری و عملی، ارتباط آموزش متوسطه با آموزش بعد از متوسطه و تلفیق یادگیری کار محور با یادگیری مدرسه محور است (Gaskell and Hepburn, 1977).

برای مثال، تجربه‌ی یادگیری کار محور در علوم می‌تواند ادبیات علمی را بیش‌تر کند و علاقه‌ی حرفه‌ای به علوم را افزایش دهد. فعالیت‌های یادگیری کار محور برای دانش‌آموزان فرصتی فراهم می‌کند که طی آن دانش نظری و مهارت حرفه‌ای را همراه هم برای حل مسائل جهان واقعی به‌کار برند (Brown, 1998 p.1). ارتباط آموزش با دنیای کار، دانش‌آموزان را در شرایط دنیای واقعی قرار می‌دهد و فرصت اکتشاف را در شرایط واقعی برای آن‌ها فراهم می‌سازد. هاگز، مور و بیلی (۱۹۹۹). پنج دلیل اولیه برای اجرای برنامه‌های کار محور پنج دلیل زیر را بیان کرده‌اند:

- به دست آوردن دانش یا مهارت‌های مرتبط به اشتغال در مشاغل یا صنایع خاص؛
- فراهم کردن برنامه‌ریزی و اکتشاف شغلی؛

- یادگیری همه‌ی جنبه‌های صنعت؛
- افزایش صلاحیت‌های فردی و اجتماعی مرتبط با کار به‌طور کلی؛
- بالا بردن انگیزه و موفقیت علمی دانش‌آموزان.

رویکرد اول حاصل نگرش تخصص گرایانه‌ی دوره‌ی مدرنیته و توجه به توسعه‌ی اقتصادی و کارائی اجتماعی است و به‌دنبال تربیت کارگرانی است که بتوانند یک فعالیت ویژه را در محیط کار و در چرخه تولید با حداکثر کارائی به انجام برسانند

در همایش بین‌المللی یونسکو، که در ۲۹-۲۵ اکتبر سال ۲۰۰۴، با عنوان «یادگیری برای کار، شهروندی و پایداری»^۲ در بن تشکیل شد، ۱۲۲ نفر از متخصصین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از سراسر جهان در آن شرکت داشتند و به عنوان نماینده‌ی اندیشه‌ی جهانی در زمینه‌ی آموزش فنی و حرفه‌ای بر آماده‌سازی دانش‌آموزان برای دنیای کار بسیار تأکید کردند. در بند ۳ بیانیه‌ی پایانی این همایش آمده است:

«آماده‌سازی برای کار باید افراد (دانش‌آموزان) را به دانش، صلاحیت‌ها، مهارت‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌هایی مجهز کند که موجب شود آنان به شهروندانی کارآمد و مسئولیت‌پذیر تبدیل شوند به‌طوری که نسبت به کیفیت کار و کمک آن به توسعه‌ی پایدار جامعه آگاه باشند. ما از همه‌ی کسانی که در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به نوعی مشارکت دارند دعوت می‌کنیم که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را با این دیدگاه گسترده منطبق سازند.»

این همایش بین‌المللی نشان داد که هم‌چنان رابطه‌ی کار و آموزش در دستور کار نظام‌های آموزشی کشورهای جهان قرار دارد و در اصلاح نظام‌های آموزشی باید به منزله‌ی یکی از مؤلفه‌های اصلاحات مورد توجه قرار گیرد.

۳. رویکرد کل نگر و تلفیقی

در رویکرد کل نگر و تلفیقی، هدف تربیت فرد متعهد، آزاد و رشد یافته است، آن گونه که نه فقط به مهارت‌ها و دانش متناسب با آخرین پیشرفت‌های فناوری، بلکه به احساس عمیق انسانی و ارزش‌های روحی و نگرشی مجهز شود و این ویژگی‌ها را داشته باشد: احساس خودارزشی، اعتماد به نفس و بزرگی، توانایی کار با دیگران و با گروه، برخورداری از امانت، شرافت، صداقت، دقت و تعهد، انطباق با تغییرات موقعیت، شناخت و درک مسائل و موضوعات، پیدا کردن راه حل‌های خلاقانه، رفتار صلح‌آمیز در برخوردها، برداشت خوب و واقع‌بینانه از جهان، از خود و دیگران، داشتن برخی دانش عمومی یا تخصصی در برخی زمینه‌ها یا حوزه‌های کاری، و کسب توانایی برای تداوم یادگیری و تعقیب آموزش مادام‌العمر در جامعه یادگیرنده (UNESCO, 2004).

رویکرد دوّم با وجود کارساز بودن، مانع پرورش جنبه‌های انسانی و استعداد‌های متنوع افراد و رشد ادراکات عاطفی، که برای زندگی شهروندی و صلح مفید است، می‌گردد

این جملات که در همایش بین‌المللی یونسکو در بن آلمان در سال ۲۰۰۴ بیان شد، بیان‌کننده‌ی یک رویکرد جدید در آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای بود که با عنوان رویکرد کل‌نگر مطرح گردید و در این مقاله به عنوان سومین رویکرد معرفی می‌شود. رویکرد کل‌نگر، در واقع، بر توسعه‌ی کل‌نگرانه‌ی قوای ذهنی و ظرفیت‌های فردی به صورت فرد انسانی و عضو جامعه تمرکز دارد. به بیان دیگر، این رویکرد در جست‌وجوی دربرگرفتن کلیت فرد انسانی، توسعه‌ی فکری، قدرت هیجانی و ارادی و فکری و... است. (با توجه به مصونیت ارزش‌های ذاتی و منحصر به فرد بودن هر فرد، برای تبدیل شدن به کارگر و شهروند آزاد و متعهد، منتقد و خلاق، صلح‌طلب و صبور در جهان چندگانه، چند اخلاق و چند فرهنگ) (UNESCO, 2004). بنابراین توصیه‌ی یونسکو، برای این که آموزش فنی‌وحرفه‌ای بتواند برنامه‌ی خود را با این پارادایم توسعه‌ی انسان‌محور منطبق سازد، باید رویکرد کل‌نگر را در آموزش و پرورش بپذیرد. هدف این رویکرد تربیت کارگران، تکنیسین‌ها، کارآفرینان و

متخصصینی است که از آموزش فردی غافل نیستند و شهروند جامعه‌ی ملی و جامعه جهانی هستند.

براساس این رویکرد، یونسکو و آی‌ال او مشترکاً در اولین توصیه‌ی خود برای آموزش و مهارت‌آموزی در قرن بیست‌ویکم معتقدند که در میان هدف‌های آموزش فنی‌وحرفه‌ای مرتبط با فرآیند آموزشی، نیازها و علائق افراد باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، آموزش فنی‌وحرفه‌ای باید تحقق هدف‌های زیر را مورد توجه قرار دهد:

- توسعه‌ی متوازن فردی و شخصیتی، پرورش روحی (معنوی) و ارزش‌های انسانی، افزایش ظرفیت درک، داوری، تفکر انتقادی و بیان حال؛
- آماده‌سازی افراد برای یادگیری مادام‌العمر به یاری توسعه‌ی ابزارهای ضروری فکری، نگرش و مهارت‌های فنی و کارآفرینی؛
- توسعه‌ی ظرفیت‌ها برای تصمیم‌گیری و شرایط ضروری برای مشارکت فعال و هوشمندانه، کار گروهی و رهبری در کار و به‌طور کلی در جامعه (همان منبع).

در روابط جدید بین آموزش و دنیای کار و به‌طور کلی جامعه براساس ضرورت‌های تعیین شده در رویکرد کل‌نگر و تلفیقی، آموزش فنی‌وحرفه‌ای باید به‌صورت بخشی از نظام یادگیری مادام‌العمر منطبق با نیازهای خاص هر کشور و در جهت توسعه‌ی جهانی فناوری ایجاد شود. این سیستم باید جهت‌گیری شود به‌سوی:

- رفع موانع بین سطوح و حوزه‌های آموزش، بین آموزش و دنیای کار و بین مدرسه و جامعه از طریق:
- تلفیق مناسب آموزش فنی‌وحرفه‌ای و آموزش عمومی در همه‌ی سطوح؛
- ایجاد ساختار آموزشی باز و انعطاف‌پذیر؛
- به‌حساب آورد نیازهای فردی آموزشی، تحول مشاغل و حرفه‌ها، شناختن تجربه کاری به صورت بخشی از یادگیری.

• بهبود کیفیت زندگی از طریق ایجاد فرهنگ یادگیری به‌گونه‌ای که به افراد اجازه دهد که افق فکری خودشان را وسعت بخشند، به کسب و بهبود مداوم مهارت‌های حرفه‌ای و دانش خود بپردازند و به‌طور مثبتی بتوانند از محصول تغییرات اقتصادی و فناوری در جهت رفاه عمومی بهره‌برداری کنند (UNESCO & ILO, 2001). در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت نوآوری‌های جسورانه در فلسفه‌ی تربیتی و عملی آموزش فنی‌وحرفه‌ای نشان

می‌دهد که به‌جای برنامه‌ی درسی دانش‌محور و مهارت مدار خشک و محصور شده، به یک دورنمای کلی از تعلیم و تربیت نیاز است که هدف آن توسعه‌ی فکری و توانایی کلیت وجودی شخص یعنی شناخت، تأثیرگذاری، هیجان، هوش، اراده و رفتار باشد.

کیفیت آموزش فنی‌وحرفه‌ای نیازمند رویکردی یاددهی-یادگیری است، که نه به دانش و اطلاعات متوقف شود و نه به توسعه‌ی مهارت‌ها و صلاحیت‌ها، بلکه به‌سوی درک و کسب بصیرت حرکت کند و به تربیت قلب و هیجان و توسعه‌ی توانایی انتخاب آزاد و بارزش، تصمیم‌گیری و تبدیل دانش و ارزش‌ها به‌عمل پردازد.

قلب تعلیم و تربیت، تربیت قلب است. آموزش ارزش‌ها جزء ضروری یک آموزش کار و آموزش شهروند کل‌نگر است. تعلیم و تربیت، تربیت قلب است. آموزش ارزش‌ها جزء ضروری یک آموزش کار و آموزش شهروند کل‌نگر است. تعلیم و تربیت ارزش‌ها فقط به آموزش درباره‌ی ارزش‌ها نمی‌پردازد بلکه علاوه بر آن به یادگیری چگونگی ارزش‌ها، چگونگی آوردن دانش به سطح عمیق فهم و درک کردن و بصیرت، آوردن به حوزه‌ی مؤثر احساس و هیجان، اهمیت انتخاب کردن و اولویت دادن به عشق‌ورزی و شکرگذاری و چگونگی درونی کردن و انتقال این‌ها به رفتار توجه دارد.

در واقع، تعلیم و تربیت ارزش‌ها یک فرآیند کلی است و یک مجموعه‌ی تجربه‌ی یادگیری است. این‌ها همه جنبه‌های مهم رویکرد کل‌نگر و تلفیقی است که آموزش‌وپرورش را به‌سمت توسعه‌ی همه جنبه‌های انسانی و تربیت و آماده‌سازی شهروندان برای خلق جامعه‌ی بهتر هدایت می‌کند (Lourdes R. Quisumbing, 2004).

نتیجه‌گیری

بررسی ادبیات نشان داد که در آموزش فنی‌وحرفه‌ای سه رویکرد:

(الف) آماده‌سازی دانش‌آموزان برای یک شغل خاص
(ب) آماده‌سازی دانش‌آموزان برای زمینه‌های عام شغلی

(ج) کل‌نگر و تلفیقی معرفی شده‌اند. این رویکردها در یک فرآیند زمانی به‌صورت تکاملی متناسب با شرایط فکری و تغییرات و تحولات فناوری به‌وجود آمده‌اند.

رویکرد اول حاصل نگرش تخصص‌گرایانه‌ی دوره‌ی مدرنیته و توجه به توسعه‌ی اقتصادی و کارایی اجتماعی است و به‌دنبال تربیت کارگرانی است که بتوانند یک فعالیت ویژه را در محیط کار و در چرخه تولید با حداکثر کارایی به انجام برسانند.

در رویکرد تلفیقی فرایند یاددهی-یادگیری بر قوای ذهنی و ظرفیت‌های فردی هر دو تأکید دارد و جنبه‌های عملی و علمی را با هم می‌بیند و بین آن‌ها تلفیق ایجاد می‌کند. علم و عمل، ابعاد نظری و عملی در کنار هم دیده می‌شوند. ارزش‌ها، درک و بصیرت و پیدا کردن راه‌حل‌های خلاقانه مورد توجه قرار می‌گیرد

اما تغییرات سریع فناوری و تحول در محصول و چرخه‌های تولید و تغییر سریع وظایف و تخصص‌ها در زنجیره‌ی آن موجب شد تأکید بر یک شغل خاص در تربیت نیروی کار با چالش‌های جدی مثل ناتوانی در انطباق با تغییرات فناوری، از رده خارج شدن بسیاری از مشاغل در زمان کوتاه و بیکاری ناشی از آن مواجه شود. در راه‌یابی برای حل این چالش‌ها رویکرد دوم مطرح و مورد توجه قرار گرفت و بر تربیت افراد برای مشاغل عام و چندوجهی تأکید شد تا با نظام آموزشی بتوانند در برابر تغییرات سریع فناوری و مشاغل واکنش مناسب‌تری نشان دهد و توانایی لازم را برای انتقال مهارت و دانش خود به شغل جدید در فراگیران به‌وجود آورد. اما این رویکرد، با وجود کارساز بودن، مانع پرورش جنبه‌های انسانی و استعدادهای متنوع افراد و رشد ادراکات عاطفی، که برای زندگی شهروندی و صلح مفید است، می‌گردد.

رشد کلیت وجودی شخص به منزله‌ی عضو جامعه‌ی انسانی در آن مغفول می‌ماند و همه‌ی تلاش او مصروف انطباق با نیازهای اقتصادی و حل مسائل مادی زندگی می‌شود. جنبه‌های معنوی و ارزشی انسان نادیده گرفته می‌شود و بخش مهمی از وجود آدمی راکد و تعطیل می‌ماند. در صورتی که برای زندگی کردن به همه‌ی جنبه‌ها و ادراکات انسانی نیاز است. برای رفع این نقیصه رویکرد سوم مطرح شد و مورد توجه قرار گرفت. این رویکرد تلاش می‌کند انسان را یک کل وجودی بنگرد و هر دو جنبه‌ی مادی و معنوی انسان را مورد توجه قرار دهد و وجوه



مختلف استعدادها و ادراکات انسان را به شیوه‌ی تلفیقی مورد توجه قرار دهد.

در فرایند یاددهی- یادگیری بر قوای ذهنی و ظرفیت‌های فردی هر دو تأکید دارد و جنبه‌های عملی و علمی را با هم می‌بیند و بین آن‌ها تلفیق ایجاد می‌کند. علم و عمل، ابعاد نظری و عملی در کنار هم دیده می‌شوند. ارزش‌ها، درک و بصیرت و پیدا کردن راه‌حل‌های خلاقانه مورد توجه قرار می‌گیرد. از این‌رو، همه‌ی جنبه‌نگری این رویکرد و توجه آن به همه ابعاد انسانی نسبت به دو رویکرد پیشین آن‌را کامل‌تر و جامع‌تر نشان می‌دهد و به‌نظر می‌رسد بتواند در نظام‌های آموزش فنی و حرفه‌ای منشأ تحول گردد.

Educational Philosophy and Theory, Vol. 28 No.1

5. Hughes, K.L., Moore, D. T., & Bailey, T.R. (1999).

Work-based learning and academic skills.

6. Hyslop-Margison, E.J. (2000). **An assessment of the historical arguments in vocational education reform.**

Journal of Career and Technical Education,

17, 23-30

7. Lewis, T. (1998). **Toward the 21 st century: Retrospect, prospect for American vocationalism**

8. Lourdes R. Quisumbing (2004). **Education for the World of Work and Citizenship: Towards Sustainable**

Future Societies. UNESCO, International Expert meeting. Opening Ceremony.

9. Lynch, R.L., Smith, C.L., & Rojewski, J.W. (1994).

Redirecting secondary vocational education toward the 21 st century. Jurnal of Vocational Education Research, 19(2), 95-116.

10. NCRVE [National Center for Research in Vocational Education]. (1993, August). **The changing role of vocational-technical education in the United States.**

Center Work 4.2. (ERIC Document Reproduction Service No.ED 355 457)

پی نوشت

1. School to work

2. Learning to Work, Citizenship and Sustainability

منابع

۱. لیاس، جان ترجمه‌ی ضرابی، علیرضا (۱۳۸۵). **فلسفه‌ی تعلیم و تربیت** (قدیم و معاصر)، مرکز انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، تهران

۲. خلایقی (۱۳۸۱). **الگوهای ارتباط بین مراکز آموزشی و محیط کار.** فصل‌نامه‌ی نوآوری‌های آموزشی شماره ۲، سال اول، زمستان

1. Becker, Richard, J (1982). **Education and work: A Historical Perspective. Eight –First Year book of the National Society for the Study of Education.** Edited

2. Silberman, Harry F. The University of Chicago Press.

Finch, Curtis & Crunkilton, John (1999). **Curriculum Development in Vocational and technical Education: Planning, Content and Implementation.** Fifth edition, Allyn and Bacon, Toronto.

3. Gray, K. (1999). **High school vocational education: Facing an uncertain future.** In A.J. Paulter.

4. Grubb, W. Norton (1997). **The new vocationalism in the United States: Retrurning to Jhon Dewey.**